

احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم

از ابو عبدالله محمد مقدسی - ترجمه دکتر علیتنی منزوی. تهران. ۱۳۶۲. وزیری. ۲ جلد.

کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تصنیف ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی از اهم کتب مسالك و ممالك جهان اسلام و منبع بسیاری اطلاعات جغرافیائی - تاریخی - دینی و جامعه شناختی بخشی بزرگ از کشورهای اسلامی مرکزی و شرقی قرن چهارم هجری است.

مقدسی در فاصله سالهای ۳۳۱ تا ۳۳۴ هجری قمری در شامات به دنیا آمد. جد پدریش ابوبکر ینا سازنده استحكامات هكا برای ابن طولون و نیای مادریش از بیارجمند کنونی خراسان بوده است.

از مقدسی جز همین کتاب احسن التقاسیم باقی نمانده که بی شك اثری عظیم و مصداق كل الصید فی جوف الفراء تواند بود. وی که معاصر دوتن از جغرافی نویسان معتبر دیگر یعنی ابو اسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری مؤلف کتاب معروف مسالك - الممالك و ابن حوقل صاحب مسالك و الممالك دیگر است از بسیاری سرزمین های اسلامی قرن چهارم هجری از جمله شش اقلیم عربی شامل (جزیره عرب - سرزمین عراق - سرزمین اقور - سرزمین شام - سرزمین مصر و سرزمین مغرب) و هفت اقلیم ایرانی (سرزمین خاوران - دیلم - رحاب - کوهستان - خوزستان - فارس و سرزمین کرمان) دیدار کرده و وضع سرزمین سند و کشورهای غربی اسلام یعنی مغرب و اسپانیا را با استفاده از آثار و تقریرات دیگران بازگو کرده است.

مقدسی آنگونه که در مقدمه ادبیانه کتاب خویش آورده مردی سخت کوش بوده است که در عین طلبگی به شیوه قلندران و مرقع پوشان گرد جهان می گشته و در کسوت فقیه عاید - صوفی - تاجر - وراق - صحاف - امام جماعت - مذکر - واعظ و کاتب از اقلیمی به اقلیمی می رفته و از مسجد کلیسا و گبر و ترسا دیدار می کرده است.

اساس وی در نوشتن کتابش بر روش عینی و تجربه و مشاهده است و برخلاف دیگر جغرافی نویسان که جز به توضیح و تبیین وضع جغرافیای کشورها - مسالك و ممالك - نپرداخته اند وضع اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگ و آداب و ادیان و مذاهب ملل مختلف را از غث و سمین و سست و متین مورد مطالعه و امان نظر قرار داده و درباره هریک از این امور به اشباع سخن گفته است.

مقدسی آنگونه که از کتابش برمی آید در عین آنکه از مذاهب اسلامی به شیعه گرایشی داشته در مسلمانی آزاد و با غیر مسلمانان تعصب می ورزیده است.^۱

۱- امپراتور روم را «سگ» و کشور او را «دارالکلب» نامیده است (صفحه ۲۰۷ ترجمه).

مقدسی به هر سرزمینی وارد می‌شود علاوه بر ذکر وضع کلی و موقعیت هر شهر یا شهرک یا قصبه گزارشی مبسوط از مرزها - آبها - کانها - ساختمانها - فاصله‌ها - محصولات - صادرات و واردات - نقود - اندازه‌ها - زبانها و لهجه‌ها - نوع حکومت - رسوم و آداب و دیدنیها و آثار و عقاید شگفت بیان می‌کند. از این جهت در کتاب وی به اطلاعات مبسوط و متنوعی برمی‌خوریم که در کتب دیگر بدانها دست نمی‌توان یافت. این مصنف نیز طبق قاعده‌ای کلی در گفته‌هایش از صفت مخصوص (جهان‌دیدگان) پرکنار نمانده و در بسیاری موارد به نقیض گوئی دچار شده است و اینک نمونه‌هایی از آن:

در باره شهر دمشق از اقلیم شام می‌نویسد «مادر شهر شام است که در روزگار امویان پایتخت بود... شهر را نهرها دریده و درختها پوشانیده است. میوه بسیار دارد. بهتر از گرمابه‌هایش - شگفت‌تر از فواره‌هایش و عاقل‌تر از مردمش نیست. خیلی خوش آب و هواست» و در دنبال آن می‌آورد: «ولی هوایش خشک - مردمش ماجراجو - میوه‌هایش بی‌مزه.... و زندگی در آنجا تنگ است!»^۲

در باره رمله قصبه‌ای از فلسطین آورده است: «دلگشا - زیبا - خوش ساخت - سبک آب - زرخیز و پر میوه است. بازرگانی سودمند و زندگانی مرفه دارد. خوش - مزه‌تر از نان سفیدش - مبارک‌تر از حوزه‌اش و گوارا‌تر از میوه‌اش در جایی ندیدم!» و ادامه می‌دهد «ولی در زمستان یک دریا گل و در تابستان یک خاکدان غبار است. نه آب رونده دارد و نه سبزی و نه خاک خوب شهر پر از پشه است - بی‌نویان تشنه و بیگانگان سرگردانند»^۳

در باره گرگان و گرگانیان می‌نویسد: «مردمش آداب و رسومی ویژه و مردانگی و درستی‌داری دارند - سر بزیر - نرم و باگذشتند. شهری است گرانقدر و ثروتمند و پیران با دین و دانش دارد» و در دنباله آن می‌آورد «شهری گرمسیر و به مگس و پشه‌هایی چون گرگت خونخواز گرفتار گوئی نام گرگان از آن گرفته شده است. کسی که در آن نشیمن گزیند بایستی کفن خویش را آماده سازد. (مردم) دودستگی دارند. گروهی زخم‌خورده و گروهی سرگردانند و کشاکش و کشتار از ایشان دور نمی‌شود!»^۴ شیرین‌ترین قسمت هر باب از کتاب مقدسی عجایب و نوادری است که نویسنده دیده یا شنیده و در هر حال باور کرده است و اینک چند مورد آن:

در باره مردم طبریّه از توابع شام می‌نویسد: «مردم طبریّه دو ماه می‌رقصند از بسیاری پشه. دو ماه با گزیدگی کیک بسر می‌برند که بسیار است. دو ماه شمشیربازی می‌کنند یعنی با چوبدستی زنبورها را از خوراک و شیرینی دور می‌کنند. دو ماه از گرما پره‌اند. دو ماه نی می‌زنند یعنی نیشکرمی‌مکند و دو ماه در گل و لای می‌لوند!»^۵

۲- صفحات ۲۲۰ و ۲۲۱ ترجمه منزوی.

۳- صفحه ۲۳۱ ترجمه منزوی.

۴- صفحات ۵۲۳ و ۵۲۴ ترجمه.

۵- صفحه ۲۲۷ ترجمه.

درباره مردم **اصفهان** می‌آورد: «یکی از عیبهای آنان سادگی و علو ایشان درباره معاویه است. روزی کاروان را رها کرده به دیدار مردی از ایشان که به وارستگی و زهد شناخته شده بود رفته پرسشها می‌کردم تا پرسیدم درباره صاحب (گویا صاحبین عباد به نوشته آقای منزوی) چه گوئی وی به لمن و نفرین او پرداخته گفت: آئینی برای ما آورده است که آنرا نمی‌فهمیم. گفتیم چه گوید گفت او می‌گوید معاویه پیامبر نیست! گفتیم تو چه می‌گوئی؟ گفت بما گفته خداوند را می‌پذیریم که می‌گوید «فوقی میان پیامبران نمی‌نهییم» ابوبکر مرسل... عمر مرسل و پس از برشمردن چهار خلیفه گفت معاویه نیز مرسل بوده است!»

درباره **شیراز** می‌نویسد: «شهری کثیف - تنگ و تازه‌ساز است. مردمش بدلبهجه با عادات ناپسندند. نه سرور قابل اعتماد نه راههای فراخ و نه ادیب دارند. درستکارانشان لوطی - بازرگانان فاسق و سلاطین ستمگرند... بی لنگ به گرمابه درمی‌آیند. سرشان به پنجره درها می‌خورد. مجوسان در آنجا بی نشانه راه می‌روند - طیلسان پوشان را حرمت ندارند. من خود طیلسان پوشی را مست دیدم - گدایان و نصارا هم حق پوشیدن آنرا دارند - فاحشه‌خانه‌ها آزادند و آداب گبرگان بکار... در جشنهای کافران بازارها آذین‌بندی شده»

با این که عبارات کتاب مقدسی معقد و متکلف است و نویسنده در بسیاری موارد برای آنکه توازن الفاظ را رعایت کرده و سجعی آورده باشد معنی را فدای لفظ کرده است. ترجمه فارسی در حد امکان بدور از تکلف و سلیس و روان است.

سعی مترجم برای هرچه نزدیکتر بودن ترجمه به متن در برخی موارد عبارت فارسی را معقد و نارسا کرده است. اینجا نمونه‌هایی را از آن‌گونه عبارات که در برابر دشواری متن و عظمت کار مترجم لغزشهایی بسیار ناچیز است می‌آورم:

● در صفحه ۱۷۳ سطر دهم آمده است: «اگر هوای شمال! بوزد خوش و خرم هستیم و هرگاه جنوبی باشد در آبریز هستیم. هنگامی که هوا جنوبی است مردم در تنگی نفس هستند» که گویا باید نوشت: «اگر باد از شمال بوزد خوش و خرم هستیم، هرگاه جنوبی باشد گوئی زیر بارانیم و دچار تنگ نفس می‌شویم»

● در صفحه ۳۱۰ آمده است: «دریا را بهترین همسایه دارد و برای هر آینده و رونده مردم دارند» و معنی عبارت عربی چنین است «به دریا پیوسته است که بهترین همسایه است و نسبت به هر آینده و رونده بهترین مردمند»

● در صفحه ۳۱۱ سطر سوم و چهارم آمده است: «مردمش سخت هستند اگرچه پوشیده باشند و بخینند اگرچه مرفه باشند» که معنی عبارت چنین است «مردمش پاک دامن اما گرانجانند و بخینند اگرچه ثروتمندند»

● صفحه ۳۱۷ سطر شانزدهم آمده است: «گشتزارها دارد ز نیم مرحله از دریا»

۶- صفحه ۶۴۰ ترجمه.

۷- بمقیده آقای منزوی (بر اساس نوشته‌ای از ایشان در هانتس متن عربی) عربی مؤلف ضعیف بوده است زیرا اصلش عبرانی فلسطینی و مادرش ایرانی است.

- که نویسنده می‌خواهد بگوید: «کشتزارهایش نیم مرحله از دریا فاصله دارد»
- صفحه ۳۹۸ سطر هجدهم آمده است: «هش دارند ولی زور می‌گویند» که معنی عبارت چنین است «بخشندهند اما زورگوی‌اند».
 - در صفحه ۳۹۹ آمده است: «(قصبه شاش) يك فرسنگ در مانندش مساحت دارد که باید گفت: «يك فرسنگ يا نزديك بدین مقدار مساحت دارد».
 - در صفحه ۵۸۴ باز هم ترجمه کرده‌اند «ری شهری است بزرگ پیرامن يك فرسنگ در مانند آن» که باید گفت «ری شهری بزرگ است که تقریباً يك فرسنگ پیرامون آنست» و این اصطلاح را در صفحات ۵۹۳ و ۶۶۸ نیز در برابر (فی‌مثله) آورده‌اند که معنی تقریباً یا نزدیک بدان می‌دهد و در هر حال (در مانند آن) برای این موارد بی‌معنی است.
 - در صفحه ۱۸۱ سطر چهارم آمده است: «آثار! علی(ع) و قبر او در آنست» یعنی در کوفه که جمع غلط (آثار) از متن عربی عیناً به فارسی منتقل شده و حال آنکه جمع اثر در زبان عربی آثار و اثار است و فارسی‌زبانان جز آثار و گاه برخلاف قیاس (اثرات) بکار نمی‌برند.۸
 - در صفحه ۱۹۴ بجای (خواربار) (خواروبار) نوشته‌اند و در صفحه ۲۰۶ سطر هفتم اصطلاح (درم سود) را بجای (سودبرنده) یا (بهره‌مند) آورده‌اند که معنی‌محصلی از آن مستفاد نمی‌شود.
 - اطلاعاتی که مقدسی دربارهٔ زبانها و گویشهای خراسان داده است از هر حیث شایان دقت و مطالعه است وی تصریح کرده است که این گویش‌ها شاخه‌هایی از زبان دری است که نامهٔ شاهان بدان نوشته می‌شده است از ریشهٔ در مشتق گردیده و زبان درباریان بوده است. (صفحه ۴۸۹ به بعد)
 - دربارهٔ مردم قومس و کرگان می‌نویسد: «ها را زیاد بکار می‌برند و گویند هاده = بده و هاکن = بکن و زیبایی دارد» و نیز می‌گوید «زبان مردم مازندران تندتر است - زبان دیلم بعکس پیچیده است - گیلها خ را بسیار بکار برند و زبان خزر نیز سخت پیچیده است. (صفحه ۵۴۴)
 - درین کتاب طبق معمول غلط مطبعی کم نیست و متأسفانه غلطنامه‌ای هم برای آن نگذاشته‌اند.